

## The Problem of Categorization in the Study of the Social History of Daily Life

Neda Honarmandi\*

Mohamadali Ranjbar\*\*

### Abstract


Due to Traditional historiography studies on great men's lives and the relation between power and politics, categorization has not been directly approached methodologically with social- demographic criteria. However, the emergence of contemporary social-history and especially the prevalence of daily-life studies in this area, has shed lights on the subject of categorization. Hence, it gained a high level of importance in demographic issues and the relation between demography and social-history subjects. The aim of this study, however, is to explain the methodological importance of categorization in social-history studies, by examining and comparing selected categorizations in several daily-life types of research in the West and Iran. The main question of this research is how daily-life researchers have selected and organized their categories? what factors were included? What inspired them to go after a specified categorization or what had influenced them? Also, is it possible to provide a single categorization method for all historical periods with different geographical and cultural coordinates? It is assumed that historians of this field -relying on hermeneutic methods, considering the political, social, cultural and historical conditions of each period, and their variables- have made a proportional categorization. In this study, by comparing selected categorizations in some researches on daily life's history in the West and Iran, we have documented some methods for categorization while finding out the logic and criterion behind them to make sense of these categorizations. What we have found in this study, is that the author's research status, intention, requirements, and priorities in each historical

---

\* Phd Student of History, Shiraz University, Shiraz, Iran, nedahonarmandi@gmail.com

\*\* Associated Professor of History, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author),  
ranjbar@shirazu.ac.ir

Date received: 14/12/2020, Date of acceptance: 28/12/2021

 Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

period determine their approach to the matter of categorization. Finally, this article proposes a new method called “Daily-graphy”. A method in which the historiography of daily life is based upon the mode, subject, and scope of research.

**Keywords:** Daily Life, Categorization, Social Category, Dailygraphy.

## مسئله مقوله‌بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی زندگی روزانه

ندا هنرمندی\*

محمدعلی رنجبر\*\*

### چکیده

تاریخ‌نگاری سنتی به اقتضای موضوعش، که مطالعه زندگی مردان بزرگ و مناسبات قدرت و سیاست بود، به‌طور مستقیم با مقوله‌های اجتماعی یا جمعیتی به‌منزله یک مسئله روش‌شناختی درگیر نبوده است، اما پیدایش تاریخ اجتماعی نوین در دهه‌های اخیر و به‌ویژه رواج مطالعات زندگی روزانه در این حوزه مقوله‌بندی را هم در سطح جمعیتی و هم در قبال مضامین موردپژوهش در زندگی این جمعیت‌ها حائز اهمیت کرد. مسئله این پژوهش تبیین اهمیت روش‌شناختی مقوله‌بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی با بررسی و مقایسه مقوله‌بندی‌های انتخاب‌شده در شماری از تحقیقات زندگی روزانه در غرب و ایران است. پرسش اصلی این پژوهش این است که محققان تاریخ زندگی روزانه چگونه و با توجه یا تحت تأثیر چه عواملی مقوله‌های تحقیق خود را انتخاب کرده و سامان داده‌اند. هم‌چنین آیا می‌توان برای تمام ادوار تاریخی با شرایط جغرافیایی و فرهنگی متفاوت شیوه مقوله‌بندی واحدی را ارائه داد؟ فرض بر این است که مورخان در این زمینه با اتکا به روش‌های هرمنوتیکی و هم‌چنین با در نظر گرفتن شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و تاریخی هر دوره و متغیرهای موردبررسی‌شان دست به مقوله‌بندی متناسب زده‌اند. در این بررسی با مقایسه مقوله‌بندی‌های انتخاب‌شده در شماری از تحقیقات تاریخ زندگی روزانه در غرب و ایران شیوه مقوله‌بندی، منطق، و ملاک معنادارسازی این مقوله‌بندی‌ها بازشناسی شده است. در این پژوهش معلوم شده است که حالت پژوهش، قصد مؤلف، مقتضیات، و اولویت‌های مقوله‌ای در زندگی واقعی روزانه در هر دوره از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده شیوه مقوله‌بندی در این مطالعات

\* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، nedahonarmandi@gmail.com

\*\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)، ranjbar@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰



بوده‌اند. در پایان این مقاله شیوه متفاوتی را تحت عنوان مدل روزنگری در تاریخ‌نگاری زندگی روزانه در تناسب با حالت و موضوع و محدوده پژوهش پیش‌نهاد کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** روزنگری، زندگی روزانه، مقوله‌بندی، مقوله اجتماعی.

## ۱. مقدمه

تاریخ‌نگاری سنتی از دوران قدیم تا اواخر قرن بیستم میلادی معطوف به شرح جنگ‌ها، شرح حال شاهان، طبقه اشراف، خواص، نخبگان سیاسی و نظامی، و گاه فرهنگی بود که به‌طور مستقیم به موضوع غالباً منفرد خود می‌پرداخت و معمولاً سیر زندگی یک فرد برتر (به‌تعبیر کارلایلی، مرد بزرگ) را از نخستین زمانی که درباره‌اش داده‌هایی یافت می‌شد (برای مثال، از دوره کودکی‌اش یا حتی پیش از تولدش) تا پایان عمر او گزارش می‌کرد (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به 6-2: Carlyle 2001). قالب‌های این قبیل گزارش‌ها البته می‌توانستند بسته به ریافت‌ها و رویکردهای مورخ، شرایط سیاسی و اجتماعی، و مؤلفه‌های دیگری که بر سبک و روش تاریخ‌نگاری در همه دوره‌ها دخیل بوده‌اند، متفاوت باشند، اما از آن‌جاکه موضوع اصلی در این تاریخ‌نگاری افراد یا جوامع کوچکی از افراد (اشراف، جنگ‌جویان، زمین‌داران بزرگ، زنان دربار، و جمعیت‌های محدود و مشخص از این دست) بودند و نه جامعه بزرگی از افراد به‌صورت نامشخص و مبهم، «مقوله‌بندی» در این میان موضوعیت و اهمیتی نیافت یا دست‌کم توجه به مقوله‌ها در سنت قدیم تاریخ‌نگاری به یک مسئله تبدیل نشد.

با پیدایش تاریخ اجتماعی نوین در دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی، درکنار شیوه‌ها و نگرش‌های تازه‌ای که در این‌گونه از تاریخ‌نگاری مطرح شد و در ذیل مسائل جدیدی که پیش‌روی مورخان قرار گرفت، مقوله‌ها، ماهیت آن‌ها، چگونگی تعریف و تحدید مرزهای آن‌ها، شیوه‌های ممکن و معقول برای درکنارهم‌چیدن یا جداکردن آن‌ها، و به‌طور کلی مسئله مقوله‌بندی اهمیت یافت و در جریان تحقیقات عملی محققان تاریخ اجتماعی حیاتی‌بودن توجه به مقوله‌بندی به‌روشنی آشکار شد.

## ۲. طرح مسئله

### ۱.۲ مقوله اجتماعی یا گروه اجتماعی

موضوع تاریخ اجتماعی معمولاً توده‌های بزرگ مردم (یا به‌اصطلاح جمعیت‌ها) و مقوله‌های اجتماعی‌ای است که این جمعیت‌ها را می‌سازند (فربرن ۱۳۹۴: ۲۱). فربرن فصل

اول کتاب *تاریخ اجتماعی: مسائل، راه‌بردها، و روش‌ها* (فربرن ۱۳۹۴: ۲۱-۵۶) را به‌طور کامل به توضیح مسئله مقوله‌ها و مقوله‌بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی اختصاص داده و به‌ویژه بر جنبه جمعیت‌شناختی آن در این مطالعات تأکید کرده است. از نظر فربرن، اصطلاح جمعیت می‌تواند نه به‌صورتی مشخص و مطلق، بلکه به‌منزله طیفی از معانی فهمیده شود، چنان‌که این اصطلاح را می‌توان بر یک جامعه کامل از مردمان در یک سرزمین یا بر دسته‌ای از جامعه‌ها، بر یک امپراتوری، بر یک تمدن، بر بخش بزرگی از مردم یک جامعه، بر جماعت‌های محلی، بر نهادها، و جز این‌ها اطلاق کرد. همه این‌ها واحدهایی مبهم و تعریف نشده‌اند که درعین‌حال که هیچ حدومرز مشخصی را از نظر جمعیت‌شناسی معلوم نمی‌کنند، باز در فاهمه عام یا در عرف عقل سلیم دارای محدوده‌ای مفروض‌اند و وقتی از مردم یک سرزمین حرف می‌زنیم، به‌کلی از شمار نامفهوم یا درک‌ناپذیری از نظر کمی سخن نمی‌گوییم، بلکه مشخصاً با شمار قابل‌فهمی از جمعیت سروکار داریم که می‌توانیم آن‌ها را در قالب یک واحد اجتماعی پژوهش کنیم. از همین‌روست که اصطلاح مقوله در بیان فربرن عبارت است از زیرمجموعه یک جمعیت (همان: ۲۱). درواقع فربرن مقوله را در بافتار بحث‌های جمعیتی تعریف کرده و تقسیمات مقوله‌ای را چیزی معادل تقسیمات ناظر به گروه‌ها در علوم اجتماعی دانسته است. به این معنا که همان‌طور که در مطالعات اجتماعی امکان گروه‌بندی جمعیت‌ها براساس ملاک‌ها و معیارهای متنوع زمینه مطالعه آن‌ها را فراهم می‌کند، در مطالعات تاریخ اجتماعی نیز اقدام اولیه برای بازشناسی جمعیت مبهم و تشخیص و تحدید واحدهای اجتماعی پژوهش، با مقوله‌بندی جمعیت به واحدهای کوچک‌تر یا به‌عبارت درست‌تر، به واحدهای مشخص‌تر صورت می‌گیرد. فربرن تصریح کرده است که از نظر او مقوله اجتماعی متشکل از مردمی است که لزوماً یک‌دیگر را نمی‌شناسند و با هم در تعامل و ارتباط نیستند یا حتی برخلاف آن‌چه در علوم اجتماعی مطرح است، دارای باورها و ارزش‌های یک‌سان یا واجد هویتی مشترک نیستند و به همین سبب است که در تاریخ اجتماعی باید مقوله اجتماعی را از گروه اجتماعی متفاوت انگاشت، زیرا افرادی که به یک گروه تعلق دارند، ضرورتاً باید از ویژگی‌های یادشده برخوردار باشند. بسیاری از مقوله‌های اجتماعی هویت‌هایی صرفاً انتزاعی‌اند و در عالم خارج به‌صورت یک گروه واقعی پدید نیامده‌اند، بلکه مورخ برای آن‌که بتواند داده‌های مربوط به آن مقوله را به‌نحوی روشن‌مند سامان‌دهی کند، باید چنان مقوله‌ای را برای خود تعریف کند (برای نمونه، مقوله مؤذنان به‌منزله افرادی که در یک بازه زمانی، مثلاً پنج قرن، از طریق اذان‌گویی ارتزاق می‌کرده‌اند. این افراد در شیوه ارتزاق باهم

اشتراک دارند و می‌توان آن‌ها را در یک مقوله جمعیتی براساس معیار شغل و پایگاه درآمدی قرار داد، اما به واسطه فاصله زمانی هرگز در قالب یک گروه به معنای جامعه‌شناختی کلمه قابل تعریف نیستند؛ برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به بشلی (۱۳۹۵: ۴۲).

## ۲.۲ اتساع تفسیر مفهوم مقوله از بافتار جمعیت به بافتار ریزمقوله‌های زندگی روزانه

در دسته بزرگی از مطالعات تاریخ اجتماعی که به‌طور عمده به بررسی تغییرات اجتماعی در سطوح مختلف جامعه در دوره‌های تاریخی معین می‌پردازند، تفسیر مفهوم مقوله اجتماعی در بافتار جمعیت‌شناسانه پاسخ‌گوی نیاز محقق خواهد بود. از آن‌رو که در این نوع از پژوهش‌ها، محقق تاریخ اجتماعی نیز مثل یک محقق علوم اجتماعی به دنبال بررسی و مطالعه تغییر در اجتماع است و لاجرم باید داده‌هایی را که با آن‌ها سروکار دارد، با در نظر گرفتن واحدهای جمعیتی مورد مطالعه سامان‌دهی کند؛ یعنی محقق علوم اجتماعی داده‌هایش را درباره گروه‌های اجتماعی (واقعی) (Eckert 2002: 7-8) و محقق تاریخ اجتماعی داده‌هایش را درباره مقوله‌های اجتماعی (واقعی یا انتزاعی) سامان می‌دهد، اما وقتی مطالعات مورخان اجتماعی نه درباره تغییرات، بلکه درباره الگوهای عام معیشت و زندگی گروه‌های بزرگ جمعیتی مثل مردم یک سرزمین، زندگی یا بخشی از زندگی زنان یک منطقه جمعیتی بزرگ، زندگی یا بخشی از زندگی اقلیت‌های دینی یا قومی یا هر واحد جمعیتی مشابه دیگر باشد، فهم اصطلاح مقوله اجتماعی در قالب واحدهای جمعیتی، فقط نیمی از مشکل محقق تاریخ اجتماعی را حل خواهد کرد و معمولاً محقق برای دسته‌بندی و سامان‌دهی داده‌های مربوط به هر موضوع یا هر بخشی از ساختار تشکیل‌دهنده الگوی مفروض زندگی آن مقوله‌های جمعیتی مورد مطالعه، با دشواری‌ها و سردرگمی‌های بسیار مواجه خواهد شد. برای مثال، اگر محقق قرار باشد سبک زندگی یا سبک مصرفی خانوارهای روستایی در یک منطقه معین را در یک دوره تاریخی معین بررسی کند، می‌تواند جمعیت ساکن در روستاهای آن منطقه را به صورت انتزاعی از آغاز دوره تاریخی مورد نظر تا پایان آن دوره تاریخی، به منزله یک مقوله جمعیتی تعریف کند و واحد اجتماعی مورد مطالعه خود را شکل بدهد، اما انبوهی از موضوعات در زیرمجموعه زندگی این مقوله جمعیتی وجود دارند که سبب می‌شوند داده‌های موجود بسیار پراکنده و به صورت کلافی

درهم‌پیچیده جلوه کنند. از طرفی به‌سادگی نمی‌توان این مقوله جمعیتی را به مقوله‌های ریزتر خرد کرد یا این‌که محقق می‌خواهد مشخصاً تبیین و تحلیل‌های خود را ناظر به همان سطح از واحد جمعیتی یعنی روستاییان منطقه الف در دوره تاریخی الف قرار دهد و در این صورت، خردکردن این مقوله جمعیتی بی‌معنا خواهد بود. در این صورت ما به درک وسیع‌تری از مفهوم مقوله اجتماعی نیاز داریم که از بافتار جمعیت‌شناسانه فراتر برود و شامل موضوعات متنوع در ذیل زندگی جمعیت مورد مطالعه نیز بشود و همه داده‌های موجود را در قبال زندگی آن جمعیت دربر بگیرد.

### ۳.۲ زندگی روزانه و مسالگی اساسی مقوله‌بندی‌ها

این چالش روش‌شناختی به‌طور آشکارا زمانی رخ می‌دهد که محقق تاریخ اجتماعی بخواهد به‌ویژه به یکی از مهم‌ترین مباحث رایج در تاریخ اجتماعی، یعنی به مطالعات زندگی روزانه، پردازد و اصولاً نخستین کسانی که در مطالعات تاریخ اجتماعی درگیر این چالش روش‌شناختی شده‌اند و کوشیده‌اند برای غلبه بر آن راه‌کارهایی پیشنهاد کنند، محققان تاریخ اجتماعی زندگی روزانه بوده‌اند. ضمن این‌که این مشکل روش‌شناختی زمانی به‌مراتب شدیدتر و بارزتر جلوه می‌نماید که محقق تاریخ اجتماعی هم بخواهد به مطالعه الگوهای عام زندگی پردازد و هم به‌طور هم‌زمان تغییرات در الگوهای زندگی روزانه را بررسی کند.

تاریخ اجتماعی زندگی روزانه به‌مثابه نقطه عزیمتی تازه در تاریخ‌نگاری بر آن بوده است تا با مشاهده و بررسی روحيات و تجربیات ذهنی و واقعی مردم عادی و معمولی، به درک روشن‌تری از این مردم دست یابد و در این زمینه به تمامی حوزه‌ها، سطوح، و موضوعی می‌پردازد که این تجربه‌های روزانه در آن رخ می‌دهند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به کنفینو ۱۳۹۴: ۱۷۰). زندگی روزانه در واقع بارزترین جلوه‌گاه ظهور و بروز خواست‌ها، سلیقه‌ها، انگیزه‌ها، کنش‌ها، و رفتارهای مردمان عادی و معمولی جامعه یعنی همان کسانی است که بنا بر تعریف قرار است تاریخ اجتماعی تاریخ زندگی آن‌ها باشد<sup>۲</sup> (موسی‌پور بشلی ۱۳۹۵: ۴۰) و از این‌رو محدوده‌های مورد توجه و پژوهش مورخ زندگی روزانه بسیار متنوع و غیرقابل‌شمارش‌اند. این وسعت و تنوع طبعاً سبب گردآمدن انبوه‌های عظیمی از داده‌ها خواهد شد که دسته‌بندی، چیدمان، و سامان‌دهی داده‌ها را بسیار دشوار و چالش‌برانگیز می‌کند.

## ۴.۲ مقوله‌ها ثابت و محدودند یا متغیر و نامحدود؟

واقعیت این است که مورخان در بسیاری از موارد بنابر روش مایل‌اند جهان اجتماعی را به قطعه‌های کوچک‌تر تقسیم کنند، درحالی‌که محققان علوم اجتماعی معمولاً تکه‌های جهان اجتماعی را به هم وصل و باهم جمع می‌کنند و صرف‌نظر از اختلاف‌نظرهای ممکن در این زمینه، این روشن است که در قلمروی واقعی مطالعات تاریخ اجتماعی، آنچه غالباً روی داده این بوده است که مورخان اجتماعی بر این باور بوده‌اند که مطالعه جمعیت‌ها به صورت واحد یگانه شیوه مناسبی برای کار نیست، بلکه این‌ره‌یافت محققان علوم اجتماعی است.<sup>۳</sup> درعوض محققان تاریخ اجتماعی در پی آن بوده‌اند که هر جمعیت مورد مطالعه‌شان را به تمامی مقوله‌های تشکیل‌دهنده‌اش خرد و با دقت و جزئی‌نگری این تکه‌های تفکیک‌شده را مطالعه کنند. به این ترتیب، معنای این سخن که مورخان اجتماعی توده‌های عظیم جمعیتی را مطالعه می‌کنند این نیست که این توده‌های عظیم را به صورت یک پارچه و در قالب یک انبوهه مبهم بررسی می‌کنند، بلکه این مورخان ابتدا این توده‌های عظیم جمعیتی را بازمی‌شکافند و آن را به قطعات سازنده‌شان تقسیم می‌کنند و سپس هر قطعه یا به اصطلاح مقوله جمعیتی را درون این انبوهه جمعیتی جداگانه به صورت جزئی‌نگرانه مطالعه می‌کنند. ضمن این‌که باید تأکید کرد که مورخان اجتماعی بدون منطقی معنادار حاضر به گزینش یا حذف برخی مؤلفه‌ها و مقوله‌های سازنده توده‌های عظیم جمعیتی نیستند و نوعاً می‌خواهند مقوله‌بندی‌های جمعیتی‌شان شامل تمام افرادی باشد که در آن توده جمعیتی وجود داشته‌اند (یا دست‌کم حداکثر ممکن از آن‌ها) (فربرن ۱۳۹۴: ۲۴-۲۵).

در مباحث زندگی روزانه هم‌زمان هم محورها و ملاک‌های مقوله‌بندی جمعیتی، یعنی تقسیم انبوهه جمعیتی به واحدهای جمعیتی کوچک‌تر، اهمیت می‌یابد و هم این نکته که قرار است چه موضوعات و مضامینی در قبال این اجزای تقسیم‌شده مطالعه شوند.

هم در مقوله‌بندی جمعیت‌ها و هم در مقوله‌بندی مؤلفه‌های زندگی این جمعیت‌ها در بدو امر به نظر می‌رسد و این باور هم البته وجود داشته است که انواع مقوله‌های اجتماعی‌ای که می‌توانند ملاک تقسیم‌ها قرار گیرند، محدود یا ثابت‌اند. به نظر فربرن، این یک پیش‌فرض غلط است که گمان کنیم انواع مقوله‌های اجتماعی که می‌توانند معیار طبقه‌بندی یا تقسیم‌بندی مردم در گذشته تاریخی قرار گیرند، اندک‌اند یا تغییرناپذیرند، بلکه برعکس انواع مقوله‌های اجتماعی پذیرفته‌شده برای چنین تقسیم‌بندی‌هایی هم بسیار پرشمارند و هم



بسیار متغیر. برای مثال، اگر این ملاک‌ها را در آغاز مقوله‌بندی عبارت از محلّیت، قومیت، جنسیت، و طبقه در نظر بگیریم ضرورتی روش‌شناختی وجود ندارد که این تقسیم‌بندی را در این مرحله متوقف کنیم، مگر این‌که هدف و مأموریت پژوهش چنین حدیقفی را بر محقق تحمیل یا برای او تعریف کرده باشد وگرنه همین مقوله‌های چهارگانه اجتماعی را می‌توان باز براساس مکان تولد، سن، وضع تأهل، دین (Butler 1994، ذیل مدخل «دین»)، ۸۰۹-۸۱۲؛ (see Butler 2008: Preface 5)، میزان سواد (Rawski 1994، ذیل مدخل «سواد»): ۵۹۴-۶۰۰)، سطح مهارت‌های قابل‌عرضه به بازار، عادت‌های مصرفی، الگوهای رژیم غذایی، سلیقه‌ها، و رفتار جنسی (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به Ruggiero 1994 ذیل مدخل «رابطه جنسی»): ۸۷۲-۸۷۶؛ (Brown 1998: 6-28)، سلامت جسمی و روانی، سابقه درمانی، ویژگی‌های جسمانی، و انسان‌سنجی (قد، وزن، و...؛ درباره انسان‌سنجی و اهمیت آن در مقوله‌بندی و مطالعات تاریخ اجتماعی Komlos 1994، ذیل مدخل «آنتروپومتریکیس»): ۵۳-۵۴)، چگونگی گذراندن اوقات فراغت (Walton 1994، ذیل مدخل «اوقات فراغت»): ۵۳۸-۵۴۲)، خدمت سربازی و سابقه نظامی، محل سکونت و ساختار و ابعاد سکونتگاه، و ساختارهای خانوادگی (Hareven 1994، ذیل مدخل «خانواده»): ۳۳۷-۳۴۵)، روش‌های تربیت فرزندان و گذراندن کودکی (Haas 1994، ذیل مدخل «کودکی»): ۱۴۶-۱۴۸)، ساعات کار (Vandervort ذیل مدخل «کار»): ۱۰۵۴-۱۰۵۸)، تبارشناسی آن‌ها (Henige ذیل مدخل «نسب‌شناسی»): ۳۹۳-۳۹۴)، و انبوهی بی‌پایان از مقوله‌های دیگر تقسیم‌بندی کرد (فربرن ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹). به این معناست که گفته می‌شود مقوله‌های اجتماعی پرشمارند و درواقع هر مقوله‌بندی می‌تواند به زیرشاخه‌های ریزتر و هر زیرشاخه نیز به زیرشاخه‌هایی دیگر تقسیم شود.

اندیشیدن به تمامی موارد بی‌شمار مؤلفه‌های زندگی اجتماعی افراد در گذشته برای انجام‌دادن یک تحقیق تاریخ اجتماعی بسیار دشوار است، اما محقق تاریخ اجتماعی ناگزیر باید هنگام مقوله‌بندی یا گزینش مقوله‌ها به این کلیت عظیم ناظر و از تنوع و امکان این تقسیم‌بندی‌های ریزمقوله‌ای آگاه باشد. این گزینش باید به‌صورت آگاهانه صورت بگیرد و هدف از آن کنترل حجم بی‌پایان داده‌هایی باشد که قرار است دست‌مایه مطالعه محقق قرار گیرد. میان محقق‌هایی که با علم به مقوله‌های ممکن و ریزمقوله‌های ذیل آن‌ها دست به گزینش می‌زند با محقق‌هایی که با ساده‌اندیشی گمان می‌کند گزینش او عبارت است از تمامی مقوله‌های ممکن قابل‌پژوهش، تفاوت زیادی وجود دارد.

## ۵.۲ سامان‌دهی داده‌ها براساس مقوله‌ها

محقق تاریخ اجتماعی برای این که در باتلاقی از داده‌ها فرو نرود و ناچار نشود که گزارشی نامنسجم و بیش از حد طولانی از موضوع به‌دست بدهد، باید با طرح و برنامه‌ای که مبتنی بر یک نگرش منطقی و قابل‌استدلال باشد، مقوله‌های پژوهش را مشخص و داده‌ها را براساس این مقوله‌بندی سامان‌دهی کند. از این رو، عرف شمول‌گرا بانی ظهور نگرشی سه‌وجهی در گزارش‌ها می‌شود؛ وجه نخست گنجانیدن همه مقوله‌های ممکن است که گزارش می‌تواند یا باید شامل آن‌ها شود. دوم، نگارش منسجم همه مقوله‌هایی است که می‌دانیم گزارش می‌تواند آن‌ها را دربر بگیرد. سوم، مشخص کردن مهم‌ترین مقوله‌هاست، به‌نحوی که دست‌کم گزارش شامل آن‌ها بشود (فربرن ۱۳۹۴: ۳۴).

راه‌کارهایی درجهت پیش‌برد کار و حل این چالش وجود دارد. مشخص‌سازی اهداف یکی از آن‌هاست. شیوه انتخاب مقوله را حالت پژوهش تعیین می‌کند. مسائل مربوط به عرف شمول‌گرا یا درواقع ملاک‌های کمی‌گزینش زمانی که ره‌یافتی خردنگران‌تر برای تعیین اهداف داشته باشیم، خودبه‌خود حل می‌شوند. این گونه به‌کمک یک ره‌یافت ازپیش انتخاب‌شده مقوله‌های فرعی کنار می‌روند و مقوله‌های ضروری مشخص می‌شوند.

منظور از حالت پژوهش نیز رشته مورد مطالعه نیست، بلکه آن را می‌توان گونه‌ای از مطالعه دانست که برای حوزه‌ای خاص مناسب است. پرداختن به هر یک از حالات پژوهش به در دسترس بودن مواد مناسب، داشتن درکی روشن از قواعد آن حالت، و باور به ارزش‌مندی تحقیقات مسئله‌مدار وابسته است. این حالات پژوهش می‌توانند شامل مواردی چون حالت هرمنوتیکی، تبیین قصدی، تبیین علی، حالت تبیین چگونگی ممکن است، و حالت گردآوری اطلاعات به‌صورت متمرکز باشد (همان: ۳۷-۴۱).

بنابراین، تاریخ اجتماعی از یک سو با جمعیت‌ها و مقوله‌های اجتماعی، که آن‌ها را می‌سازند، سروکار دارد و از سوی دیگر انتظار می‌رود گزارش‌هایی ارائه دهد که همه ابعاد زندگی مردم را در یک زمان تاریخی دربرگیرد. این پیچیدگی اهمیت مقوله‌بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی را نشان می‌دهد. محقق با گزینش حالت مناسب پژوهش می‌تواند پاسخ‌گوی این خواسته‌ها باشد و مقوله‌های مهم را با توجه به اهداف تحقیق برگزیند.

### ۳. پرسش‌های تحقیق

در بررسی تحقیقات تاریخ اجتماعی، به‌خصوص زندگی روزانه، باید دید که محقق به چه دلیل مقوله‌بندی خاصی را انتخاب کرده و منطق او برای معنادار کردن مقوله‌بندی مختارش چه بوده است؟ چرا برخی از مقوله‌ها در کار وی بررسی شده‌اند و برخی دیگر نه؟ در واقع کدام مقوله‌ها حذف و کدام مقوله‌ها به‌منزله چهارچوب کار در نظر گرفته شدند؟ چه عواملی در مقوله‌بندی او مؤثر بوده‌اند؟ و این که آیا می‌توان برای تمام دوران تاریخی با شرایط جغرافیایی و فرهنگی متفاوت شیوه مقوله‌بندی واحدی را ارائه داد؟

در جریان مطالعه در همین مقوله‌بندی‌ها و زیرشاخه‌های آن‌ها می‌توان به جهان‌بینی نویسنده، داده‌های دردست‌رس، مقوله‌های مهم مردم در زندگی گذشته، و مواردی دیگر در تاریخ‌نگاری زندگی اجتماعی پی‌برد. برای پاسخ به این سؤالات و درک اهمیت مقوله‌بندی در پژوهش‌های تاریخ اجتماعی به آثار نوشته‌شده در تاریخ اجتماعی، شیوه، و چرایی مقوله‌بندی در این آثار نگاهی خواهیم داشت.

### ۴. فرضیه تحقیق

در بررسی مقوله‌بندی‌های رایج و مطرح هریک از مورخان و محققان تاریخ اجتماعی زندگی روزانه، با توجه به اهداف پژوهش موردنظرشان و هم‌چنین با توجه به متغیرهایی که به‌دنبال بررسی رابطه آن‌ها با مسائل اجتماعی بوده‌اند، مقوله‌بندی‌های متفاوتی را در تناسب با این اهداف انتخاب کرده‌اند.

هم‌چنین به‌نظر می‌رسد شرایط تاریخی و فرهنگی هر جامعه نیز محقق تاریخ زندگی روزانه را به‌نوعی به‌سمت مقوله‌بندی خاصی سوق می‌دهد. به این معنا که در هر دوره بنا بر شرایط، مقتضیات، سبک زندگی، و تغییر رتبه و اهمیت برخی مقوله‌ها یا برخی اجزای زندگی روزانه، شیوه انتخاب و دسته‌بندی و اولویت‌بندی مقوله‌ها متفاوت باشد؛ چنان‌که در بررسی تاریخ اجتماعی زندگی روزانه روم باستان باید به تأثیر اهمیت یافتن تئاتر در زندگی مردم و در تاریخ اجتماعی زندگی روزانه در ایران عصر صفوی به برگزاری آداب و رسوم شیعی به‌ویژه مراسم محرم و زیرمجموعه آن توجه کرد.

### ۵. روش تحقیق

برای بررسی این موضوع کتاب‌ها و دایرةالمعارف‌هایی که در حوزه تاریخ اجتماعی زندگی روزانه منتشر شده‌اند گردآوری می‌شوند و براساس شیوه دسته‌بندی و چیدمان درونی

مقوله‌ها در هریک از این آثار، ابتدا ساختار مقوله‌ای مورد توجه محققان و مؤلفان آن‌ها استخراج شده و سپس براساس محتوای تشکیل دهنده این منابع به نقد و بررسی و مقایسه آن‌ها کوشش شده است تا چرایی انتخاب‌های مقوله‌ای، سبک، و منطق این انتخاب‌ها بررسی شوند. بنابراین، روش پژوهش در این اثر توصیفی - تبیینی است.

## ۶. پیشینه

از آن‌جا که مطالعات تاریخ اجتماعی نوین به تازگی رواج یافته است و سابقه آن در غرب به دهه ۱۹۷۰م و در ایران به دهه ۱۳۸۰ش بازمی‌گردد، در هیچ‌یک از موضوعات و حوزه‌های روش‌شناسی این مطالعات ادبیات درخور توجهی پدید نیامده است و صرف‌نظر از مقدمه‌هایی که ممکن است برخی محققان در توضیح روش کارشان در آغاز برخی تحقیقات تاریخ اجتماعی آورده باشند و کتاب فربرن، که از آن یاد کردیم، مسئله مقوله‌بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی سابقه قابل‌ارائه‌ای ندارد و تحقیق مستقلی در این زمینه به فارسی صورت نگرفته است و چنان‌که گفته شد، فقط محققانی در عمل در میدان تحقیق در حوزه‌های زندگی روزانه قرار گرفته‌اند که با چالش مقوله‌ها در روش‌شناسی مطالعات تاریخ اجتماعی مواجه بوده‌اند.

در زمینه تاریخ اجتماعی و به‌خصوص زندگی روزانه در قرن بیستم کارهای مهمی تألیف شده‌اند که تا به امروز نیز آثار مهم و تأثیرگذاری به حساب می‌آیند. در حوزه تاریخ‌نگاری زندگی روزانه انتشارات گرین‌وود (Green Wood) بیش از ناشران دیگر فعال بوده و کتاب‌های متعددی در دو دهه اخیر منتشر کرده است. البته دیگر ناشران نیز در این زمینه فعالیت داشته‌اند، اما ناشر ذکر شده به‌صورت تخصصی در این حوزه کار کرده است. مجموعه کتاب‌هایی که این انتشارات چاپ کرده است شامل زندگی روزانه در مصر باستان، زندگی روزانه در زمان روم باستان، زندگی روزانه در زمان یونان باستان، زندگی روزانه در عصر هلنیسم، زندگی روزانه در زمان اروپای قرون وسطی، زندگی روزانه در زمان مرگ سیاه، زندگی روزانه در زمان رنسانس ایتالیا، زندگی روزانه در انگلستان زمان استوارت، زندگی روزانه در انگلستان عصر الیزابت، زندگی روزانه در زمان انگیزیسون اسپانیا، زندگی روزانه در زمان انقلاب فرانسه، زندگی روزانه در زمان جنگ جهانی اول، زندگی روزانه در زمان پیش از جنگ سرد، زندگی روزانه در زمان آمریکای قرن بیستم، زندگی روزانه در زمان جنگل‌های ونزوئلا، زندگی روزانه در زمان کلونی‌های مکزیک، زندگی روزانه در

زمان انقلاب چین، زندگی روزانه در زمان امپراتوری اینکاها، زندگی روزانه در زمان امپراتوری روسیه، زندگی روزانه در امپراتوری عثمانی، زندگی روزانه در زمان امپراتوری مغول، و غیره می‌شود. انتشارات Oxford University Press، Allen & Unwin، ABDO، Publishing Compan، و Routledge از دیگر ناشرانی به‌شمار می‌روند که در این زمینه چندین کتاب به‌چاپ رسانده‌اند.

از تألیفات داخل کشور نیز تنها می‌توان به کتاب دین زیسته و زندگی روزانه، نوشته ابراهیم موسی‌پور بشلی اشاره کرد و انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام آن را چاپ کرده است که تک‌کتابی دارای قالب کاری تاریخ اجتماعی و متناسب با روش پژوهش در این حوزه است که در مقدمه مفصل روش‌شناسی‌اش به مسئله مقوله‌بندی و اهمیت آن و مشخصاً به چگونگی انتخاب‌های مقوله‌ای‌اش اشاره کرده است.

هرکدام از کتاب‌هایی که در بالا برشمرده شده‌اند باتوجه‌به مقوله‌بندی‌های مشخصی در حوزه تاریخ اجتماعی به زندگی روزانه نگاه کرده‌اند. چنان‌که گفته شد، مقوله‌بندی در تاریخ اجتماعی از جمله از این جهت برای محققان بسیار مهم و چالش‌برانگیز بوده است که انتخاب هر مقوله شیوه مواجهه محقق را با انبوه عظیم داده‌های بسیار پراکنده تعیین می‌کند و هر انتخاب متضمن بروز تفاوت‌های بسیار در چیدمان داده‌ها و شکل‌گیری الگوی پراکندگی آن‌ها خواهد شد. مورخ با انبوهی از داده‌های پراکنده روبه‌روست که باید آن‌ها را براساس ویژگی‌های مشترک واقعی یا مفروض، در دسته‌های معقول، معنادار، و استدلال‌پذیر قرار دهد و چنان‌که گفتیم محققان در مطالعات تاریخ اجتماعی زندگی روزانه این امر را به‌صورت بسیار ملموس‌تری تجربه می‌کنند.

## ۷. مطالعه مقوله‌بندی‌ها در آثار مورخان زندگی روزانه

در نخستین کارهایی که در حوزه زندگی روزانه انجام شدند پیش‌نهاد این بوده است که مقوله‌بندی براساس درون‌خانه، بیرون‌خانه، یا بنابر نحوه معیشت کشاورزی و غیرکشاورزی صورت گیرد. این قبیل مقوله‌بندی‌ها را در کتاب‌های زندگی روزانه در انتشارات گرین‌وود می‌توان دید. در عمده کتاب‌های انتشارات گرین‌وود مقوله‌بندی بر مبنای همان تقسیم‌بندی کلی دایرةالمعارف تاریخ اجتماعی<sup>۵</sup> صورت گرفته است، اما در زیرمجموعه مقوله‌بندی‌های اصلی، عناوین کوچک‌تر باتوجه‌به داده‌های مورخ و شرایط اجتماعی و فرهنگی غالب جوامع بحث شده‌اند. مقوله‌بندی‌ها در کتاب‌هایی که در ادامه

بررسی می‌شوند می‌توانند تأثیر زمانه، شرایط اجتماعی، و داده‌های دردسترس مورخ را بر شیوه مقوله‌بندی مشخص کنند.

### ۱.۷ مقوله‌بندی زندگی روزانه در کتاب زندگی روزانه در امپراتوری عثمانی

در کتاب زندگی روزانه در امپراتوری عثمانی<sup>۲</sup>، نویسنده به دلیل گستردگی زمانی و جغرافیایی امپراتوری عثمانی امکان بررسی ریزبه‌ریز مسائل مربوط به نواحی مختلف امپراتوری، اقوام، و دوران مختلف را هم دارد و هم ندارد، زیرا از طرفی او با بازه‌ای طولانی از زمان مواجه است و می‌تواند مقوله‌های غایب هر دوره را از خلال داده‌های دوره دیگر بیرون بکشد و از طرفی چنان این دوره زمانی گسترده است که امکان بررسی و مقایسه کامل را از مؤلف می‌گیرد و ذکر تمام داده‌های باقی‌مانده نوشته‌ای پراکنده را به‌وجود خواهد آورد. می‌توان گفت در این کتاب تأکید اصلی و عمده بر زندگی روزانه شاه، درباریان، و طبقه منتخب جامعه است. نویسنده در هر فصل با اطلاعاتی گزینش‌شده زندگی روزانه در پایتخت و شرایط اجتماعی، اعتقادی، و اقتصادی آن را در تمام شش‌صد سال امپراتوری عثمانی به‌منزله بخشی از روال عمومی زندگی روزانه مطرح کرده است.

در قسمت دیگر، نویسنده کاخ‌سازی و شهرسازی را نیز در بافتار زندگی روزانه وارد کرده و آن را از این‌رو مهم دانسته است که پس از عصر فتوحات و در زمان سلطان محمد دوم با فتح قسطنطنیه نیاز به ملزومات زندگی شهری، دربار، و کاخ‌سازی در شهر احساس شد و به‌منزله بخشی از هدف بلندمدت شاه درآمد (Kia 2011: 36-40)، زیرا به‌خصوص در شرق اطلاعات درخصوص شاهان، زندگی آن‌ها، و مسائل مربوط به آن‌ها بیش‌تر در منابع ذکر شده و مجال پرداختن به امور جزئی بیش‌تر است و به همین دلیل مؤلف توانسته است برنامه کلی و روزانه شاه و درباریان را از بام تا شام در موقعیت‌های مختلف شرح دهد. زندگی روزانه و مسائل مربوط به اهالی دربار مانند وزیران، قاضیان، پنی‌چری‌ها، فرمان‌داران ایالات، و سپاهیان نیز جزو مقوله‌های بسط‌داده‌شده نویسنده است که در هر مورد او توانسته است شاخه‌بندی‌های خردتر را نیز برای هر مقوله تاجایی که به دربار مربوط بوده است، مطرح کند. دو فصل از این کتاب به ساختار نظامی و سیاسی عثمانی اختصاص داده شده است (ibid.: 1-5, 15-35, 36-50)، زیرا تأکید این کتاب بر زندگی روزانه این طبقه از جامعه است و صرفاً به این دلیل که نظامیان در امپراتوری عثمانی جایگاه خاصی داشتند.

در فصول دیگر کتاب نویسنده به مقوله‌های اجتماعی آن زمان در جامعه شهری و روستایی نیز پرداخته است، هرچند حجم مطالب باهم هم‌خوانی ندارند. در مقوله شهرها، حومه‌ها، و روستاها اطلاعات درباره محلات شهرها، نحوه نام‌گذاری محلات، اقلیت‌های مذهبی، ساختار خانه‌ها، شهرسازی، بازارها، تجار و بازرگانان، اصناف، و محتسبان است و دوباره به علت حجم زیاد داده‌ها و بازه زمانی گسترده این داده‌ها به صورت کلی و تعمیم‌یافته ذکر شده‌اند (ibid.: 72-100).

قومیت‌ها در این کتاب در زیرمجموعه اجتماعات مذهبی و با دسته‌بندی دینی آورده شده‌اند و فقط مسلمانان در فصل‌بندی جدایی قرار گرفته‌اند (ibid.: 111-112). در قسمت مسلمانان نیز تنها به جشن‌ها، آداب و رسوم، و اعتقادات مذهبی آن‌ها اشاره شده است که البته در خصوص زندگی روزانه آن‌ها نیست، بلکه گویی نویسنده بیش‌تر قصد آشناکردن خواننده با اصول دینی و اعتقادی مسلمانان را داشته است، زیرا اثری از مفهوم روزانگی یا حتی تأثیر متغیر ترک‌بودن یا جغرافیای عثمانی در این مقوله‌بندی دیده نمی‌شود (همان: ۱۳۴-۱۴۸).

باتوجه به فصول بعدی که در خصوص علما و صوفیان است (ibid.: 164-179)، می‌توان گفت که هدف نویسنده بیان زندگی روزانه طبقات اجتماعی بوده است، زیرا با چنین نگاهی این دسته‌بندی را انجام داده است و در کنار این دسته‌بندی مقولات اجتماعی کلی را در فصول آخر تحت عناوین ازدواج، خانواده و رابطه جنسی، تفریحات و بیماری، و مرگ و سلامت آورده است. این شیوه سبب شده است که سرفصل‌ها و مقوله‌های این کتاب یک‌دست و منسجم نباشند و مقوله‌بندی در این اثر از ساختار مشخصی پیروی نکند. نویسنده این دسته‌بندی را برای هر طبقه اجتماعی رعایت نکرده و تنها کلیت این مقولات را مطرح کرده است. او در مقوله‌بندی خود، باتوجه به این‌که از جامعه‌ای اسلامی صحبت می‌کند، رابطه جنسی را در کنار خانواده آورده است، زیرا این امر در جامعه مذهبی در جایی خارج از چهارچوب خانواده یا قوانین اسلامی مرتبط با خانواده پذیرفتنی نبوده است. در خصوص بهداشت و سلامت نیز از بیماری‌ها، بیماران، و پزشکان صحبت شده است. به این ترتیب، نویسنده در این مقوله‌بندی امکان ارائه حداکثر اطلاعات را در خصوص جامعه عثمانی در نظر داشته و به معیارها، ملاک‌ها، و معناداربودن آن‌ها در شکل‌دادن به مقوله‌های کتاب توجه چندانی نداشته است و در واقع بسیاری از اجزای مقوله‌بندی او قابل دفاع یا از نظر استدلالی قانع‌کننده نیست.

## ۲.۷ مقوله‌بندی زندگی روزانه در کتاب *زندگی روزانه در امپراتوری مغول*

جورج لین (George Lane)، نویسنده کتاب *زندگی روزانه در امپراتوری مغول*<sup>۷</sup>، در مقوله‌بندی خود به تاریخ سیاسی، جغرافیای طبیعی، ارتش، سلامت و پزشکی، نوشیدنی‌ها، غذا، مذهب، قانون و فرمان‌های مغولان، زنان، و در آخر به داستان‌های عامیانه پرداخته است. او مقوله‌بندی خود را با توجه به شیوه خاص زندگی مغولان انجام داده است؛ یعنی جغرافیا و به تعبیری مفهوم مکان فرهنگی را تقریباً به تفصیل شرح داده و خاستگاه مغولان و تأثیر این خاستگاه را در رفتارهای آنان ارزیابی کرده و در واقع به تأثیر مکان در وقایع نظر داشته است و از این رو می‌توان سبک زندگی مغولان را معیار اصلی او در معنادار کردن مقوله‌بندی‌اش در این کتاب انگاشت. او با توجه به ساختار قبیله‌ای مغولان و اعتقاد آن‌ها مبنی بر «امپراتوری‌ای که بر پشت اسب شکل گرفته باید بر پشت اسب هم اداره شود» (Lane 2006: 59) در مبحث خانه و سکونتگاه به چادرنشینی مغولان اشاره کرده و این مبحث را در چین و ایران دنبال کرده و شهرها را در دوران هر خان مغول بررسی کرده است.

به دلیل اهمیتی که جنگ و جنگاوری در زندگی مغولان داشت، جورج لین حتی ارتش را هم در مقوله زندگی روزانه مطرح کرده است، زیرا هر روز یک مغول در لشکرکشی و آماده‌باش سپری می‌شد. البته در زیرمجموعه جنگ از شکار نیز صحبت شده است که هم در شمار مقوله تفریح و هم در مقوله خوراک مغولان در استپ گنجانده شده است (ibid.: 95).

در قسمت مربوط به بهداشت و سلامت در مقوله‌بندی برحسب اهمیتی که مغولان به امر سلامتی می‌دادند، چه در دوره استپ‌نشینی و چه در دوره امپراتوری، پزشکان و داروها توصیف شده‌اند و در خصوص طب چینی، طب سوزنی، شیوه تشخیص بیماری، و مجدداً درباره خوراکی‌ها و رژیم غذایی مغولان در این قسمت صحبت شده است. در این مقوله مبادلات فرهنگی و علمی میان شرق و غرب آسیا نیز به بحث گذاشته شده است، زیرا طب از مهم‌ترین عرصه‌های تعامل فرهنگی بوده است (ibid.: 136-148).

مقوله نوشیدن خود در یک دسته‌بندی مستقل آمده است (که معمولاً چنین کاری در مقوله‌بندی‌های زندگی روزانه رایج نیست)، زیرا برای مغولان نوشیدن در طول روز حتی از خوراک نیز مهم‌تر بوده و این سنت از ابتدا تا انتهای دوره مغول در رفتار و کنش‌خانات مغولان و در داستان‌های مربوط به آن‌ها باقی مانده است (ibid.: 149-150). نویسنده کتاب بر مبنای داده‌های دردست‌رس راجع به شرایط اجتماعی و فرهنگی غالب و جایگاه متفاوت



پدیده‌های اجتماعی در ساختار زندگی مغولان از مقوله‌های مطرح در تاریخ‌نگاری اجتماعی خاص آنان تنها شش مقوله اصلی را انتخاب کرده و بر مبنای آن‌ها شواهد و داده‌های خود را جای داده است. مقوله‌بندی و چیدمان داده‌ها در این کتاب اصولاً بر اساس واحد جمعیتی مورد پژوهش یعنی مغولان است که خود بر اساس معیاری قومیتی انتخاب، تعریف، و تحدید شده است.

### ۳.۷ مقوله‌بندی زندگی روزانه در کتاب زندگی روزانه در روم باستان

جرمی کارکوپینو (Jerome Carcopino)، نویسنده کتاب زندگی روزانه در روم باستان،<sup>۸</sup> با عمیق شدن در جامعه شهری روم و تفکیک کردن آن از جامعه روستایی در صدد بررسی چهارچوب‌های اصلی زندگی روزانه در جامعه شهری روم است، زیرا بر این باور است که اساساً نوع زندگی، امکانات، و مسائل اجتماعی در جامعه شهری متفاوت با جامعه روستایی آن دوران بوده است. او برای این کار لازم دانسته است که در ابتدا کالبد شهر را توصیف کند؛ جایی که زندگی روزانه در بستر آن شکل می‌گیرد.

منظور وی از زندگی روزانه دقیقاً به معنی زندگی هرروزه و روزبه‌روز افراد است، نه صرفاً مسائل اجتماعی جامعه روم. وی با توجه به داده‌های تاریخی، شرایط اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی روم مقوله‌بندی مدنظر خود را در اثرش شکل داده است.

بنابر اهمیتی که شناخت کالبد شهری روم از منظر او دارد در فصل اول مقوله جمعیت و وسعت شهری را بررسی کرده و با توجه به داده‌های باستان‌شناسی و مطالعات مورخان و جامعه‌شناسان به عددی تقریبی از جمعیت روم دست یافته است (Carcopino 1941: 21-23). کارکوپینو به شرح خانه‌ها، خیابان‌ها، نحوه ساخت آن‌ها، و فضا سازی شهری با توجه به جمعیت و وسعت شهر و تأثیر آن در برنامه روزانه مردم اهتمام داشته است، زیرا تردد افراد و گروه‌های مختلف با توجه به ساختار معمارانه خیابان‌های شهر تعیین می‌شده است (ibid.: 56-64).

جامعه و طبقات اجتماعی مقوله بعدی در این کتاب است. از آن‌جاکه در جامعه روم بردگان بخش عظیمی از جمعیت را تشکیل می‌دادند و دیگران افراد آزاد محسوب می‌شدند، این مقوله در زمینه اجتماعی عاملی مؤثر در زندگی روزانه مردم بود. به همین دلیل، قابل درک است که چرا مبحث جمعیتی یکبار در قسمت اول و یکبار در این‌جا و در ارتباط با طبقات اجتماعی بحث شده است.

در مقوله بعدی با عنوان «ازدواج، زنان و خانواده» نویسنده در ابتدا پدرسالاری در جامعه روم و رابطه فرزندان با پدر براساس قانون پدر (patria potestas) را تعریف و توصیف کرده و سپس درخصوص مراسم ازدواج و اجزای مختلف آن توضیح داده است، آن‌گاه فلسفه ازدواج را از دیدگاه رومیان باستان بیان کرده است. نکته جالب بیان روند تغییر موقعیت زنان در جامعه رومی است، چنان‌که زنان به جایی می‌رسند که می‌گویند ما در نهایت هر اتفاقی بیفتد انسان هستیم و حق انتخاب و آزادی داریم (ibid.: 104-108). نویسنده با استناد به این تغییرات وارد مبحث طلاق شده است. حجم نوشته‌ها درباره زنان نشان‌دهنده وجود داده‌های کافی برای بیان وضعیت آن‌ها به صورت بخشی مجزا در کتاب است؛ امری که شاید در تاریخ‌نگاری‌های ایرانی برای محقق زندگی روزانه به‌سادگی میسر نباشد.

تحصیلات و مذهب مقولات بعدی‌اند که نویسنده با توجه به داده‌ها آن‌ها را در کنار هم آورده است. کارکوپینو مراحل تحصیل را شرح داده و از تأثیر مذهب در آموزه‌ها، با ظهور مسیحیت و رسمی شدن آن در امپراتوری روم، و افول آن و رشد عرفان‌های شرقی صحبت کرده است، زیرا این موارد در آن جامعه به موازات یکدیگر بودند (ibid.: 137-152).

پس از این مقولات، که بیش‌تر به پیش‌درآمدی می‌مانند که کارکوپینو برای رسیدن به موضوع اصلی به آن‌ها پرداخته است، مقوله بعدی یعنی برنامه روزانه آمده است که با یک تقسیم‌بندی زمانی از صبح‌گاه تا شب‌هنگام بررسی و توصیف شده است. این مقوله با بحث زمان، تقسیم روزها، و تقویم شروع شده و با بیداری پیش از طلوع آفتاب ادامه یافته است. رسیدگی به موهای سر و صورت و لباس پوشیدن، که آداب و اصول خاص خود را دارند، در بخش صبح‌گاه آمده‌اند. در واقع به جای تقسیم‌بندی مسائل به مقوله‌هایی مانند پوشش زمان انجام کارها ملاک قرار گرفته است. به همین دلیل، مبحث لباس پوشیدن و مدهایی که در آن زمان مطرح بوده‌اند در قسمت صبح‌گاه بیان شده‌اند. علاوه بر آن، در بخش صبح‌گاه مقوله اشتغال نیز ذکر شده است و این‌که زنان و مردان بسته به این‌که آزاد بودند یا برده، فقیر بودند یا غنی، روز خود را چگونه آغاز می‌کردند. نویسنده تغییر فصل را نیز در بررسی کارها و مشاغلی که افراد به صورت روزانه انجام می‌دهند در نظر گرفته است. از امور دیگری که به هنگام صبح انجام می‌شد، می‌توان به خواندن نوشته‌ها و آثار افراد در خیابان اشاره کرد. این فعل آن‌قدر معمول بوده است که کارکوپینو آن را جزوی از روال زندگی روزانه مردم روم و نه در زیرمجموعه تحصیلات، بلکه در مبحثی جدا به‌منزله امری مستقل بیان کرده است.

نمایش و تئاتر، که بخش مهمی از زندگی رومیان را شامل می‌شدند، چنان مقبولیت داشته که هم‌چون وعده‌های غذایی برای خود جایگاه مشخص داشتند. کارکوپینو آن را در دسته‌بندی امور مربوط به ظهر و بعدازظهر جای داده است (ibid.: 243-254). این دو مورد نیز می‌توانستند زیرمجموعه مقوله اوقات فراغت قرار گیرند، اما به دلیل ملاک‌بودن زمان در بررسی زندگی روزانه این‌گونه مطرح شده‌اند. کارکوپینو در تقسیم‌بندی خود زمان زیست روزانه را الگو قرار داده و نمونه‌ای فراروی دیگر پژوهش‌گران گذاشته است تا بتوانند مقوله‌بندی خود را بر مبنای خط زمانی نیز انجام دهند و بدین طریق مشکل وجود شواهد پراکنده و نظم‌بخشی به داده‌ها را حل کنند. به این معنا می‌توان از تعبیر «تاریخ‌نگاری زندگی روزانه بر اساس مدل روزنگری» درباره این نویسنده استفاده کرد که به گمان ما می‌تواند یکی از مدل‌های کارآمد در وصف و شرح اجزای زندگی روزانه و ملاکی برای مقوله‌بندی دقیق و شمول‌گرایانه زندگی روزانه باشد.

#### ۴.۷ مقوله‌بندی زندگی روزانه در کتاب زندگی روزانه در طی انقلاب فرانسه

مقوله‌بندی‌ای که جیمز اندرسون (James M. Anderson) در کتاب زندگی روزانه در طی انقلاب فرانسه<sup>۹</sup> انجام داده است بیش‌تر به مقوله‌بندی دایرة‌المعارف تاریخ اجتماعی نزدیک است و عنوان‌های بیش‌تری را پوشش می‌دهد.

او کارش را با فصل‌های کروئولوژی و شرح تأثیرات مسائل سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی کشور و عمده وقایع تاریخی مؤثر در انقلاب فرانسه آغاز کرده و در فصل‌های بعدی به اقتصاد، سفر، زندگی در ورسای، لباس و مد، هنر و سرگرمی، خانواده، غذا، و تحصیلات، سلامتی، درمان و خیریه‌ها، مذهب، زنان، زندگی شهری، زندگی روستایی، زندگی نظامی، قانون، و موضوعاتی که زندگی روزانه مردم را در قبل، حین، و بعد از انقلاب تشکیل داده‌اند، پرداخته است.

اندرسون در فصلی با عنوان «بافتار» زمینه‌های لازم برای شناخت زندگی روزانه مردم فرانسه را بیان کرده است. در همین قسمت، نویسنده مقوله‌هایی چون جغرافیای طبیعی، جمعیت فرانسه، طبقات اجتماعی، زبان استفاده‌شده مردم، و اندیشه‌های سیاسی حاکم‌بر جامعه را با یک‌دیگر دارای پیوند دانسته و تحت یک عنوان آورده است، زیرا باتوجه‌به شرایط فرهنگی و سیاسی فرانسه این عرصه‌ها در تعامل با یک‌دیگر بودند و به تغییر در جامعه منجر شدند و در زندگی مردم تأثیر گذاشتند (Anderson 2007: 2-24).

در مقوله‌بندی بعدی، نویسنده معیشت و اقتصاد مردم را ارزیابی کرده و برنامه زندگی روزانه را برمبنای آن پیش برده و نشان داده است که کشاورزان، تجار، و مردم شهر براساس شغل‌هایی که داشتند چه کارهایی در طول روز انجام می‌دادند. در این فصل نویسنده به‌صورت ناقص به مدل روزنگرانه در تاریخ‌نگاری زندگی روزانه نزدیک شده است (ibid.: 26-40).

در فصل سفر به مسافران، وسایل حمل‌ونقل، انگیزه مسافران، تأثیر جهان‌گردان در مسائل فرانسه، و تأثیرپذیری آن‌ها پرداخته و نوشته‌های آن‌ها را به‌منزله منبعی برای توصیف زندگی روزانه و شرح اوضاع فرانسه در گرماگرم انقلاب مرجع قرار داده است، زیرا در انتهای قرن هفدهم میلادی مسافرت‌کردن بسیار رواج داشته و نوشته‌های باقی‌مانده از این زمان نشان می‌دهند که سفرکردن جزئی از برنامه زندگی مردم بوده است. برخلاف کتاب *زندگی روزانه در روم باستان*، در این کتاب اندرسون به برنامه زندگی روزانه مردم عادی اعتنایی ندارد و صرفاً مسائل کلی غیرسیاسی جامعه فرانسه را بیان و برنامه زندگی روزانه درباریان و اشراف را وصف کرده و در سایر مقوله‌ها کلیت جامعه فرانسه را از لحاظ پوشش براساس طبقه اجتماعی شرح داده و تکیه اصلی او بر طبقه منتخب و اشراف جامعه بوده است. در مقوله‌های دیگر مانند هنر و تفریحات مجدداً این تأکید بر طبقه اشراف و درباریان شاه را می‌بینیم، نه هنر و تفریحاتی که در جامعه و در میان طبقات عامه معمول بوده است.

اندرسون در مقوله تفریحات کتاب، مطبوعات، پورنوگرافی، روزنامه، و نویسندگان مشهور را نیز جای داده است، زیرا کتاب خواندن خاص طبقه نخبه جامعه بود و این روشن‌فکران بودند که می‌توانستند از پس هزینه خرید کتاب برآیند و فرصت مطالعه آن را نیز داشتند (ibid.: 62-65, 91-98).

در این کتاب، متغیر اصلی تأثیرگذار در روند مسائل مختلف جامعه انقلاب فرانسه در نظر گرفته شده است و هر مقوله‌ای به‌نسبت رابطه‌ای که با این انقلاب داشته و تأثیر و تغییری که به‌واسطه آن پذیرفته است دسته‌بندی و جای‌گذاری شده است، زیرا اندرسون انقلاب فرانسه را به‌منزله متغیر اصلی در روند مسائل اجتماعی شناخته است. او در مقوله طلاق این تأثیر را به‌وضوح بیان کرده است که با رخداد انقلاب زنان و مردان با راحتی بیش‌تری توانستند از یک‌دیگر جدا شوند و زنان بیش‌تر از مردان مایل به جدایی بودند (ibid.: 106-109).

در مقوله‌بندی بعدی نویسنده خانواده، غذا، و تحصیل را در یک فصل و در ارتباط با یک‌دیگر آورده و البته طبقه‌بندی اجتماعی را نیز در هر سه مقوله دخیل کرده است. در مقوله مربوط به دین نیز نویسنده علاوه بر ساختار کلیسا به راه‌های درآمد کلیسا و خرافات مربوط به آن، که پیش‌تر در قسمت خانواده و داروها نیز آمده بود، پرداخته است. در واقع، در این دوره دین در زندگی روزانه مردم کم‌رنگ شد و با انقلاب فرانسه گمان اصلی بر این بود که اگر بخواهند انقلاب باقی بماند، باید دین از میان مردم و زندگی آن‌ها بیرون برود. بنابراین، حالت پژوهش نویسنده و مسئله‌ای که به دنبال آن بوده است در مقوله‌بندی نقش اصلی را داشته و این چیدمان را به‌وجود آورده است.

#### ۵.۷ مقوله‌بندی زندگی روزانه در کتاب دین زیسته و زندگی روزانه

ابراهیم موسی‌پور بشلی، محقق تاریخ اجتماعی، در ایران به مسئله مقوله‌بندی اجزای زندگی روزانه توجه کرده است. وی در کتاب دین زیسته و زندگی روزانه، که از آغاز عصر صفوی تا پایان دوره قاجار را دربر می‌گیرد، گونه‌ای از مقوله‌بندی را ارائه داده است که هم‌زمان هم مقوله‌های جمعیتی مشخص و تعریف‌شده‌ای را شامل می‌شود و هم بررسی متغیر مستقل دین را در اجزای زندگی روزانه در این واحد اجتماعی ممکن می‌کند. در عین حال، مقوله‌بندی او در این کتاب به‌طور خاص باتوجه به نوع داده‌ها، مسئله منابع و رویکرد آن‌ها، و از همه مهم‌تر تأکید بر استفاده از داده‌های راجع به مردم عادی و معمولی و نه داده‌های مربوط به خواص و نخبگان ناظر بوده است. مقوله‌بندی در این کتاب از طرفی به دنبال به‌دست‌دادن حداکثر اطلاعات نیز بوده است. در میان کتاب‌های تحت‌بررسی مقوله‌بندی کتاب دین زیسته در عین حال که اغلب مقوله‌های غیرروزانه مثل ارتش، مراسم ادواری، تشکیلات سیاسی و اداری، ساختارهای شهری، و آنچه را امر استثنایی دانسته است، حذف کرده است، باز مفصل‌ترین ساختار را برای امور روزانه فراهم کرده است (درباره اهمیت تقابل امر استثنایی یا غیرروزانه با امر روزانه در انتخاب مقوله‌های زندگی روزانه در این اثر، بنگرید به موسی‌پور بشلی ۱۳۹۵: ۳۶-۳۸).

باین‌حال، او به‌هیچ‌روی به مدل روزنگری در تاریخ‌نگاری زندگی روزانه توجهی نداشته است و حضور متغیر فعال دین در این پژوهش سبب شده است که نویسنده وصف اصل زندگی روزانه را به‌صورت منظم و تقویمی در اولویت قرار ندهد.

او کتاب خود را به نه مقوله تقسیم کرده است که در انتخاب هر نه مقوله متغیر دین دخیل و در دسته‌بندی داده‌ها و شیوه داده‌پردازی تأثیرگذار بوده است. موسی‌پور به سبب انتخاب این شیوه خاص و چندضلعی به‌ناچار به تفصیل در مقدمه روش‌شناسی کتاب به موضوع مقوله‌بندی در زندگی روزانه پرداخته و به‌طور گذرا شیوه‌های پیشین رایج در منابع غربی را نقد کرده و توضیح داده است که منطق حذف و گزینش مقوله‌ها در این اثر چه بوده است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به همان: ۳۶-۵۷).

اولین مقوله این اثر خانه و خانواده است. از این جهت این دو مقوله با هم ذکر شده‌اند که مؤلف بر این باور است که افراد در خانه و در کنار اعضای خانواده نخستین تعلیمات دینی را کسب می‌کنند و دیگر ارکان زندگی‌شان به‌خصوص در ارتباط با خانواده مشخصاً با دخالت درک خانوادگی از دین شکل می‌گیرد. مسائلی چون ازدواج، انتخاب همسر، زایمان، نام‌گذاری بچه‌ها، روابط والد و فرزند، ازدواج موقت، و مرگ در این مقوله جای گرفته است. حتی ساخت خانه، با توجه به اعتقادات دینی غالب جامعه، در این بخش آمده است، زیرا به‌هر روی اعتقادات مذهبی و سنتی در فرم خانه و شیوه معماری آن‌ها مؤثر بوده است. ضمن این‌که مؤلف تأکید کرده است که خانه بستر و محل ظهور و بروز تمامی اجزای زندگی روزانه خانوادگی است که بخش بزرگی از مؤلفه‌های زندگی روزانه عمومی فرد را نیز شکل می‌دهد.

مقوله بعدی مشاغل و پایگاه‌های درآمدی است که نویسنده با توجه به متغیر دین آن را سامان داده است. در دوران زمانی مورد بحث، دین در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی و فردی افراد عنصری دخیل بوده و در تعامل با سایر نهادهای اجتماعی قرار داشته است. دین هم در پدیدآوردن و هم در کنترل مشاغل و درآمدهای مردم جایگاهی درخور توجه داشته است. در مقوله‌بندی این مشاغل مشکل اساسی مربوط به درآمدهایی بود که از یک شغل تعریف شده و مشخص حاصل نمی‌شدند، اما انبوهی از داده‌های تاریخی در این زمینه در بافتار اجتماعی - تاریخی مورد پژوهش وجود داشتند که به‌نوعی به موضوع درآمدها ناظر بودند. ابتکار مؤلف برای از دست‌ندادن این داده‌ها و استفاده از آن‌ها در این مبحث آن بوده است که با تعریف مقوله‌ای جنبی تحت‌عنوان تازه «پایگاه‌های درآمدی»، داده‌هایی را که از درآمدهای مبتنی بر زیست در یک فرهنگ دینی حکایت می‌کردند در ذیل مقوله مشاغل قرار دهد و از این رو «مشاغل و پایگاه‌های درآمدی» در این اثر به‌منزله مقوله اصلی سامان یافته است. در ذیل این مقوله عمده، ابتدا مشاغل و پایگاه‌های درآمدی دینی (مشاغل دین‌آورد مثل شغل مؤذنی که مستقیماً اسلام آن را به‌وجود آورده است) و سپس مشاغل و

پایگاه‌های درآمدی دین‌پرورد (که دین آن‌ها را به‌نوعی تغییر داده یا در آن‌ها الزامات جدیدی اعمال کرده یا آن‌ها را براساس موازین شرعی تحت کنترل قرار داده است) دسته‌بندی شده‌اند. با این مقوله‌بندی شمول‌گرا حتی تأثیر غیرمستقیم متغیر دین در درآمدها (مثلاً از طریق ایجاد پرستیژ اجتماعی) نیز لحاظ شده است (همان: ۱۲۳-۱۵۱).

در مقوله تغذیه و عادات غذایی نیز مؤلف شیوه خاصی از مقوله‌بندی را به‌کار برده است که در آن نه غذاها، بلکه اجزای فرهنگی مرتبط با تغذیه و رفتارهای غذایی در این مقوله جای بگیرند. هم‌چنین در این مقوله‌بندی، سنت‌ها، جشن‌ها، و مراسمی که در آن‌ها غذاهای خاصی استفاده می‌شود یا در آن‌ها رفتارهای تغذیه‌ای دچار تفاوت‌هایی می‌شوند، به‌جای آن‌که در مقوله‌ای مستقل بررسی شوند، در ذیل مقوله واحدی جای داده شده‌اند. با این روش، که در سایر بخش‌های این کتاب نیز اعمال شده است، مؤلف توانسته است داده‌های انبوه راجع به چهار قرن را در یک گزارش فشرده عرضه کند، بدون آن‌که دچار تفصیل و اطناب شود.

هم‌چنین با توجه به متغیرهای دخیل در این پژوهش، در این اثر ماه رمضان در این فصل صرفاً به‌مثابه یک بافتار زمانی دیده شده است که در آن نوع خوراکی و رفتار تغذیه‌ای مرتبط باید بحث شود، نه این‌که مستقلاً ماه رمضان و آداب و رسوم آن به‌صورت یک مقوله تعریف شود. در واقع، چون مدل روزنگری یا اصولاً خط زمانی روزانه یا سالانه در این اثر موردنظر مؤلف نبوده است، هیچ‌کدام از ماه‌های تقویم دینی یا هیچ‌کدام از مراسم و سنت‌های دینی به‌صورت مقوله‌ای مستقل لحاظ نشده‌اند. به این ترتیب یک مؤلف دیگر می‌تواند همین داده‌ها را با توجه به یک تقویم زمانی (چه دینی و چه عرفی) در قالب مقوله‌بندی دیگری بازآرایی کند؛ البته در صورتی که قرار نباشد نقش دین در هریک از این عناصر زندگی روزانه‌ای بررسی شود، اما با توجه به حضور دو متغیر دین و زندگی روزانه در این پژوهش در تمامی فصل‌ها از رعایت تقویم سالانه و مدل روزنگرانه اجتناب شده است.

در بحث پوشاک با عنوان «پوشاک و آرایش ظاهری» نیز دقیقاً مثل فصل‌های پیش‌گفته، مؤلف از نظام یک‌سان و منسجمی تبعیت کرده است و علاوه بر برخی اجزای مادی فرهنگ پوشاکی، یعنی لباس‌های مختلف، خرده‌فرهنگ پوشاکی، و به‌طور کلی مفهوم‌پردازی ظاهر را در بستر و بافتار دینی ایرانی به‌صورت یک‌کاسه در مقوله‌ای تحت‌عنوان «پوشاک و آرایش ظاهری» سامان داده است تا به این ترتیب ضمن صرفه‌جویی و پرهیز از تفصیل حداکثر داده‌ها را در تحلیل خود دخیل کند.

بومی‌گرایی و اهتمام به بافتار تاریخی - جغرافیایی - فرهنگی و انتخاب مقوله‌بندی‌ای متناسب با زمینه و زمانه ایرانی صفوی - قاجاری در این بخش نیز در مقوله‌بندی او دخالتی آشکار داشته است. برای مثال، در حالی که مسئله حجاب در یک تحقیق عادی راجع به پوشاک نه ذیل فرهنگ مادی قرار می‌گیرد و نه ذیل فرهنگ مستقل پوشاکی، (بلکه مشخصاً یک عنصر دینی است که در بافتار رفتار پوشاکی عاملیت یافته است) در روش مقوله‌بندی مؤلف دین زیسته در ذیل مقوله پوشاک و آرایش ظاهری قرار داده شده است. از آن‌رو که نمی‌توان حجاب را فی‌نفسه در زندگی روزانه در مقوله مستقلی قرار داد و دیگر این‌که حجاب خود از نظر اجتماعی و اقتصادی نیز کارکردهایی دارد که اگر در مقوله پوشاک در زندگی روزانه دیده نشود، قابل‌تعریف در چهارچوب مفهومی مستقلی در بافتار زندگی روزانه‌ای نخواهند بود. برای مثال، تولید و فروش انحصاری البسه اسلامی را، که به همین منظور در دوره قاجار یک شرکت با مشارکت برخی از علمای بزرگ در این زمینه تأسیس کرده بود، نمی‌توان به نحو دیگری در ذیل چهارچوب زندگی روزانه مطالعه کرد، بلکه این موضوع باید در تاریخ اقتصادی ایران بررسی شود. با این حال با این شیوه مقوله‌بندی حجاب، اجزا، و تبعات آن به‌صورتی قابل‌تعریف در چهارچوب زندگی روزانه درآمده‌اند.

هم‌چنین موسی‌پور در این اثر، برخلاف نمونه‌های مثل *زندگی روزانه فرانسوی*، روی اجزای پوشاکی خاص تمرکز نکرده است، زیرا هدف اول او اجزای مادی نبوده‌اند، در حالی که در تحقیق راجع به زندگی روزانه در فرانسه قرن هیجدهم، که در آن متغیر دومی در کار نیست، اولویت با مطرح کردن اجزای مادی پوشاکی اعم از لباس‌های مردانه، زنانه، و حتی کلاه‌گیس‌ها بوده است. با این حال، در دین زیسته در قسمت آرایش ظاهر داده‌های راجع به ریش، سبیل، موی سر، و شیوه‌های آراستن آن‌ها در مقوله‌بندی لحاظ شده‌اند.

در مقوله بهداشت و درمان نیز تأثیر زمینه بومی ایرانی در شیوه مقوله‌بندی مؤلف بسیار روشن است. باتوجه به ساختار فرهنگی ایرانی در آن دوران، مؤلف بهداشت و درمان را یک موضوع علمی محض تلقی نکرده و در این بخش به‌جای این‌که دیدگاه‌های پزشکی، شیوه‌های تشخیص، روش‌های درمان، و داروها را ذیل یک مقوله قرار بدهد، باتوجه به متغیر دین داده‌هایی را که جهان طبیعی اطراف انسان ایرانی عصر صفوی - قاجاری را شکل می‌داده‌اند (جهان زیسته) باتوجه به مفهوم سلامتی و بیماری در ذیل مقوله بهداشت و درمان قرار داده و مثلاً از نگرش دوجنبه‌ای *ماوراءالطبیعی* و عرفی به مفهوم سلامت و درمان سخن رانده است. نویسندگان در مقوله بهداشت و درمان از اعتقاد به موجودات *ماوراءالطبیعه* در فرهنگ دینی و باورهای عامیانه نیز یاد کرده است.



جالب این‌که در این اثر موضوع حمل‌ونقل اجساد به اماکن مقدس در ذیل بهداشت و درمان مقوله‌بندی شده است. اصولاً در روش موسی‌پور در مقوله‌بندی گاه برخی داده‌ها بسته به هدف نویسنده و جایگاهی که در روند مسائل اجتماعی دارند در چند مقوله جای می‌گیرند، اما حیثیت و شأن قرارگرفتن آن‌ها در مقوله‌های مختلف به‌صورت جداگانه توضیح داده شده است (همان: ۲۴۲-۲۴۴). برای مثال حجاب، که از یک حیث در مقوله پوشش ذکر آن رفته بود، در بهداشت و درمان نیز باتوجه‌به مسائلی که برای پزشکان به‌وجود می‌آورد مجدداً مطرح شد. اوقاف نیز علاوه‌بر بحث درآمد و اشتغال در بحث بهداشت و درمان نیز مطرح شده است، زیرا نهادهای وقفی بخش مهمی از زیرساخت بهداشتی و درمانی ایران را تشکیل می‌داده‌اند (حمام‌ها و بیمارستان‌های وقفی). مورد بعدی که هم در بحث بهداشت و هم در مقوله مسافرت، مشاغل، و پایگاه‌های درآمدی آمده است، موضوع حمل‌ونقل اجساد به اماکن مقدس است. این کار علاوه‌بر حضور در مقوله مسافرت به‌سبب این‌که ماهیتاً از جنس حمل‌ونقل بوده است، از نظر بهداشتی پدیده‌ای خطرناک است و گزارش‌های بسیار درباره‌ی خطرهای شیوع وبا و طاعون به این طریق وجود دارد. حجم و تکرار این نوع از حمل‌ونقل خود از این حیث که به‌مثابه‌ی یک شغل درآمدی، آن‌ها را برای قرارگرفتن در مقوله مشاغل و پایگاه‌های درآمدی نیز تعریف‌پذیر کرده است.

مقوله مسافرت و حمل‌ونقل هرچند در نگاه اول نه مقوله‌ای دینی است و نه مقوله‌ای از جنس زندگی روزانه، در این اثر آمده و خود مقوله مستقلی را تشکیل داده است. تأثیر مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه‌های دینی در فرهنگ سفر، تعیین مسیرهای عمده مسافرت در ایران، تغییرات آن‌ها، شیوه سفر براساس مؤلفه‌های شرعی به‌ویژه درباره سفر زنان و انبوهی از آداب و مناسک قبل، حین، و بعد از سفر، که در بافتار دینی مفهوم‌پردازی شده‌اند، دلیل قرارگرفتن سفر در این پژوهش بوده است (همان: ۲۴۵-۲۵۹). ازطرفی با دقت در میزان و زمان سفرها و این‌که افراد در تمام طول سفر بخش عمده‌ای از سلسله‌کنش‌های زندگی روزانه متداول در زمان عادی را هم معمول می‌داشته‌اند، عملاً سفرها را باید در مطالعه‌ای راجع به زندگی روزانه ایرانیان آن دوران مقوله‌ای روزانه تلقی کرد.

مقوله اوقات فراغت هم در نگاه اول و بدون درنظرگرفتن متغیر دین و مهم‌تر از آن باتوجه‌به افق زمانی این مطالعه نباید در این اثر قرار گیرد، اما مؤلف با بازتعریفی از شرایط اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی ایرانیان دوره صفوی - قاجاری و نقد برخی

دیدگاه‌های موجود، ابتدا اوقات فراغت را براساس فرهنگ بومی و سنتی ایرانی تعریف کرده و سپس داده‌های راجع به تفریح، سرگرمی، ورزش و شوخی، برپایی اعیاد و مراسم مختلف چون عید نوروز، عید قربان، نقالی و قصه‌گویی، ورزش، بازی‌ها، و مسابقات را در این مقوله چیده است. در این مقوله موسیقی به‌جای آن‌که در ذیل بحث هنر مطرح شود، در ذیل اوقات فراغت مقوله‌بندی شده است، زیرا قصد مؤلف به‌دست‌دادن گزارش مستقلی از زندگی روزانه نبوده است که هنر و مشخصاً موسیقی را بتوان به‌مثابه امر روزانه در آن تعریف کرد، بلکه با توجه به متغیر دین و مسائل و کنترل‌هایی که متغیر دین در قبال این جنبه از کارکرد موسیقی در زندگی روزانه داشته است، مدنظر بوده است؛ وگرنه در هر گزارشی از صرف زندگی روزانه مردم ایران نمی‌توان هنر و در این مورد موسیقی را به‌صورت مقوله‌ای تابع و فرعی تلقی کرد، زیرا هنر همواره در زندگی روزانه مردم ایران حضور و بروزی وسیع و آشکار داشته است. به همین سان دخانیات و مواد مخدر نیز به‌صورتی تبعی و فرعی در مقوله اوقات فراغت و تفریحات آمده و از این نظر کار مؤلف به روش رودی مته (Rudi Matthee) در کتاب در جست‌وجوی لذت<sup>۱۰</sup> نزدیک است که دخانیات و مواد مخدر را به‌منزلهٔ مُکِیفات مقوله‌بندی کرده است (Matthee 2005: 97- 114).

جالب آن‌که مؤلف با سخت‌گیری روش‌شناسی ویژه‌ای برخی ریزمقوله‌ها، مثل مراسم عزاداری محرم و زیارت اهل قبور را، از این حیث که فرصتی برای پرکردن اوقات فراغت به‌ویژه برای زنان بوده‌اند، در این مقوله قرار داده است. بنابر یک اصل در مطالعات تاریخ اجتماعی (توصیف غلیظ / Thick Description؛ بنگرید به فریرن ۱۳۹۴: ۲۹۶-۲۹۸)، درک خود مردم مورد مطالعه از پدیده‌ها برای مؤلف در اولویت است و در این مقوله‌بندی نیز مؤلف با به‌دست‌دادن ارجاعات متعدد نشان داده است که منطق این شیوه از چیدمان در مقوله‌بندی عنوان‌های اوقات فراغت چه بوده است.

در فصل زبان و نشانه‌شناسی روزانه نیز مختصات بومی ایرانی به‌روشنی دیده می‌شوند. نویسنده زبان را بارزترین زمینهٔ ظهور و بروز آموزه‌های دینی در بافتار غیردینی زندگی روزانه می‌داند و از این رو عبارت‌های دینی را از حیث دلالت‌های غیردینی‌ای، که در جریان زندگی روزانه مردم دارند، مطالعه کرده است. سخت‌گیری مؤلف در این مقوله‌بندی سبب شده است که دلالت‌های دینی اوراد و اذکار دینی به‌کلی از این تحقیق کنار گذاشته شود تا به‌صورت خالص، نقش متغیر دین در اجزای غیردینی زندگی روزانه مطالعه شود. در واقع وی با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی ایران امر مقوله‌بندی و

جای‌گذاری داده‌ها را انجام داده است. شاید بسیاری از مورخان بررسی زبان را ضروری ندانند، اما با توجه به فرهنگ ایرانی، که گفت‌وگو در آن امری جدایی‌ناپذیر از تعاملات اجتماعی و حتی فردی زندگی روزانه است، لازم دیده شده است که فصلی جدا به آن اختصاص داده شود.

هم‌چنین در فصل محیط‌زیست ابتدا مؤلف نشان می‌دهد که چگونه چنین موضوعی، که در جوامع پیشاصنعتی در شمار مقوله‌های اجتماعی نبوده است، در این تحقیق به صورت یک مقوله مهم در سرفصل‌های مطالعاتی قرار داده شده است. در این اثر محیط‌زیست در واقع به مثابه زیست‌جهان مادی یا بخشی از این زیست‌جهان بازتعریف شده و در این قالب، نقش دین در برخی اجزای این زیست‌جهان طبیعی بررسی شده است، نه آن‌که ارزش‌ها، هنجارها، و گفتمان‌های زیست‌محیطی رایج در جهان امروز با همان تعریف متداول امروزی به افق زیستی عصر صفوی - قاجاری تحمیل شود.

به‌طور کلی موسی‌پور در پژوهش خود مقوله‌بندی متعارف رایج در تاریخ اجتماعی زندگی روزانه را به صورتی شمول‌گرا مدنظر داشته است، اما در مقوله‌بندی‌اش عواملی چون متغیر گزینش شده (نقش دین در زندگی روزانه غیردینی)، محدودیت‌های تاریخ‌نگاری ایرانی، داده‌های باقی‌مانده، و هم‌چنین تعهد خودخواسته روش‌شناختی مؤلف (در ابتدای گزارشش به داده‌های مربوط به مردم عادی و معمولی و نه داده‌های راجع به شاهان و خواص)، درک هم‌دلانه از مردمان مورد مطالعه و اهمیت دادن به ذهنیت آن‌ها، اعتقاد به وجود ذهنیتی بومی و سنتی از برخی مقوله‌ها، که ظاهراً در جهان جدید به مسئله یا مقوله اجتماعی تبدیل شده‌اند (مثل محیط‌زیست)، بازتعریف برخی مقوله‌ها، کشف یا اهمیت دادن به برخی جنبه‌های متفاوت از برخی پدیده‌ها (مثلاً کارکرد اقتصادی حجاب یا جنبه اوقات فراغتی زیارت اهل قبور)، و نحوه مقوله‌بندی او را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

## ۸. نتیجه‌گیری و پیش‌نهاد مدل مقوله‌بندی روزنگرانه

در این مطالعه و با توجه به نمونه‌های ذکر شده به‌خصوص نمونه آخر، که در ایران صورت گرفته است، می‌توان گفت تاریخ‌نگاران با توجه به رویکرد خود در پژوهش و حالت پژوهش، مقوله‌بندی خود را انتخاب می‌کنند. گاه مقوله‌بندی‌ها می‌توانند در کلیت یک‌سان باشند، اما زمانی که به دسته‌بندی‌های خردتر و ریزداده‌ها می‌رسند، تفاوت‌های آن‌ها آشکار

می‌شود؛ چنان‌که مورخ ایرانی به داده‌هایی دست‌رسی دارد که شاید مورخ اروپایی به آن توجه نکند یا در زندگی اجتماعی مردم گذشته او تأثیرگذار نبوده است یا بالعکس. مانند نقشی که تئاتر و نمایش در زندگی روم باستان داشت و به‌منزله فصلی جدا در پژوهش جورج کارکوپینو آمده بود، اما در اثر موسی‌پور آن را ذیل بحث اوقات فراغت آن هم به‌صورت مختصر می‌بینیم. نمونه‌های این تفاوت‌ها که ناشی از شرایط اجتماعی و فرهنگی متفاوت جوامع‌اند و در داده‌های باقی‌مانده بازتاب یافته‌اند، بسیارند.

بنابراین با توجه به سؤالات پژوهش می‌توان گفت مورخان هرکدام با تکیه بر متغیرهای انتخابی در بررسی دوره‌های مختلف داده‌ها را سامان می‌دهند و در یک گروه می‌گذارند و گاه با توجه به شرایط فرهنگی و تاریخی لازم می‌بینند تا داده‌ها را خلاف مقوله‌بندی رایج در گروهی جدا یا ادغام‌شده قرار دهند. بسته به این‌که در دوران‌های مختلف کنش‌های اجتماعی مردم چه معنا و مفهومی داشتند، مورخ موظف می‌شود که متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای همان جامعه الگوی خاص مقوله‌بندی آن را تعیین کند و بنابراین برای بررسی تاریخ اجتماعی ملل متفاوت با مقوله‌بندی یک‌سان نسخه‌ای یک‌سان نمی‌توان پیچید.

پیش‌نهاد این پژوهش ارائه‌ی طرحی متفاوت و نو برای مقوله‌بندی در تاریخ اجتماعی زندگی روزانه در ایران و با توجه به شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و داده‌های تاریخی باقی‌مانده در منابع ایرانی است. به‌گمان ما اگر هدف پژوهش به‌دست‌دادن یک گزارش مستقیم از نفس زندگی روزانه در یک مقطع تاریخی و مکانی مشخص باشد، بهترین شیوه مقوله‌بندی آن است که با روایتی روزنگرانه متناسب و هماهنگ باشد. به این نحو که داستان جزء به جزء یک زندگی روزانه مشخص یا فرضی را براساس داده‌های موجود و قابل‌اعتماد، در طول یک شبانه‌روز نوعی روایت کند.

در پژوهش انجام‌شده ما با نام *زندگی روزانه در جامعه شهری دور دوم صفوی* که رساله دکتری نویسنده است، مقوله‌بندی براساس مدل روزنگرانه، یعنی با توجه به زمان‌بندی روز، از صبح تا شب، صورت گرفته است. در این روش، محدودیت دینی و مذهبی یا هیچ قید دیگری برای بررسی رفتارهای افراد در طول روز وجود ندارد. نویسنده بر این باور است که علاوه بر پژوهش‌های پیشین و شیوه‌هایی که برای مقوله‌بندی انتخاب شده‌اند، می‌توان بر این اساس که زندگی روزانه یعنی زندگی یک شبانه‌روز یک فرد، انسان نوعی (تیبیکال) اصفهان عصر صفوی (با توجه به قید زمان و مکان)، مقوله‌های مختلف را انتخاب و آن‌ها را براساس مدل روزنگرانه بررسی کرد.

نویسنده درصدد است انسان نوعی اصفهان عصر صفوی را برای یک روز بررسی کند. وقتی می‌گوییم نوعی یعنی انسان معمولی که در یک روز معمولی در اصفهان روز را به شب می‌رسانده است. وقتی می‌گوییم نوعی یعنی او را از شاه‌زاده، امرا، و اشراف جدا می‌کنیم. او از خواب بیدار می‌شود، صبحانه می‌خورد، زن و بچه دارد، سر کار می‌رود، ناهار می‌خورد، مهمانی می‌رود، با غیرمسلمان و مسلمان رابطه دارد، شاید شراب می‌خورد، تریاک می‌کشد، و در مکان‌های مختلف حضور می‌یابد.

در این میان، استثنائات نیز ذکر می‌شوند که زن‌ها چه می‌کنند، چون داده‌ها بیش‌تر مردانه‌اند، افراد مرفه چه می‌کنند و مسیحیان چه می‌کنند. از لحاظ زمانی نیز روی خط زمان هم برش عرضی می‌زنیم و هم برش طولی. برای مثال، بررسی می‌کنیم که مراسمی که در بهار با محرم هم‌زمان شده است چه تفاوتی با همان مراسم در حالت معمول آن دارد. به‌طور کلی، این روش تلفیقی ابتکاری از روش مقوله‌بندی کتاب‌های تاریخ زندگی روزانه طی انقلاب فرانسه و دین زیسته و زندگی روزانه خواهد بود.

علاوه‌بر موارد ذکر شده، شواهد پراکنده‌ای نیز وجود دارند که باید برحسب ویژگی مشترکی که می‌توانند با هر مقوله بیابند جای‌گذاری شوند. این شیوه از مقوله‌بندی از جهت این‌که دست مورخ را برای استفاده از داده‌های محدود تاریخ اجتماعی باز می‌گذارد مفید است، زیرا داده‌های تاریخ اجتماعی به‌صورت کلی کم‌اند و منابع زیادی به آن‌ها نپرداخته‌اند. افزودن هر تغییری به این داده‌ها می‌تواند دامنه عمل مورخ را محدود و دسته‌ای از داده‌ها را حذف کند.<sup>۱۱</sup>

حوزه پژوهش زندگی روزانه در تاریخ ایران جای کار بسیاری دارد، اما نبودن الگوهای درست برای شروع ورود به این عرصه را سخت و چالش‌برانگیز کرده است، زیرا مقوله‌بندی یکی از اولین و سخت‌ترین گام‌ها در این دست از تحقیقات است که هنوز نمونه کارهای انجام‌شده به فارسی برای آن بسیار اندک‌اند.

امید می‌رود با ترجمه آثار مطرح و انجام پژوهش‌های بیش‌تر این راه هموارتر شود، زیرا گام مهم در تاریخ اجتماعی شناخت مقوله‌های اجتماعی، دسته‌بندی آن‌ها متناسب با اهداف پژوهش، شرایط اجتماعی دوره تاریخی مورد بررسی، و نحوه تقسیم و جای‌گذاری داده‌ها در مقولات انتخاب شده است. اگر مقوله‌بندی در پژوهش‌های تاریخی به‌درستی انجام شود، برآیند مطالعات مدون‌تر، منظم‌تر، و دقیق‌تر خواهد بود و مشکل کارهای بی‌شکل با عنوان تاریخ اجتماعی، که تنها شامل داده‌های پراکنده غیرسیاسی در حوزه تاریخ‌اند، تا حدودی حل خواهد شد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در جامعه‌شناسی بنابر نظر هولستی مقوله‌بندی نوعی تقسیم‌بندی و تفکیک متن به قطعات یا بخش‌های مجزاست؛ مقوله‌هایی که محتوای متن بر آن‌ها تقسیم شده است و در آن قرار می‌گیرد و برحسب ماهیت داده‌ها و هدف‌های تحقیق تعیین می‌شوند (see Holsti 1969: 95).  
در تعریفی دیگر، مقوله‌بندی توانایی بشر در تشخیص شباهت و تفاوت بین امور و قراردادن امور مشابه در یک گروه است. مقوله‌ها پدیده‌هایی با مرزی منطقی‌اند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به روشن و اردبیلی ۱۳۹۲).
- در فلسفه و از نظر ارسطو مقولات یا قاطیغوراس یا کاته‌گوریا تعبیری است که او به‌کار می‌برد. او در رسالهٔ مقولات، مقولات را از دیدگاه زبان‌شناختی و منطقی بحث و تحلیل می‌کند، زیرا باب تعریفات در منطق به مقولات نیازمند است و ما برای تعریف اشیا باید اجناس، فصول، و اعراض شیء را دقیقاً شناسایی کنیم و این کار مستلزم طرح مقولات است. بنابراین، منظور ارسطو از بحث زبانی مقولات، طبقه‌بندی اشیای خارجی و تعیین جنس، فصل، و اعراض آن‌هاست. ارسطو نمی‌خواهد صرفاً بحثی زبان‌شناسانه و منطقی ارائه دهد، بلکه مقولات برای ارسطو هم کاربرد منطقی دارند و هم فلسفی (برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به کاپلستون ۱۳۸۸: فصل ۲۸؛ فروغی ۱۳۶۷).
۲. در این تعریف زندگی روزانه، از جمله شامل مطالعهٔ انواع خوراک، نحوهٔ تولید و فراوری غذاها، سلیقه، ترجیحات، و امتناعات و به‌طور کلی فرهنگ تغذیه‌ای مردم، پوشاک و تنوعات آن و فرهنگ پوشاکی، آرایش ظاهر، صنایع، و مشاغل، و اصناف، ادوات و اشیا و ابزارهای کار و نیز اسباب زندگی روزانه، اوقات فراغت و سرگرمی‌ها، بازی‌ها، ورزش‌ها و مسابقات، نظام خانواده و برنامه‌های خانه، بهداشت روزانه، و جز آن‌ها می‌شود (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به موسی‌پور بشلی ۱۳۸۶: ۴۰).
۳. اصل این عرف را می‌توان به عوامل بسیاری نسبت داد. یکی از آن‌ها دیدگاهی پرسابقه و غالب در علوم انسانی و اجتماعی است که بیان می‌کند تاریخ، به‌خصوص تاریخ اجتماعی رشته‌ای، یکه‌نگار است، نه قانون‌بنیاد. یکه‌نگاری به امور جزئی، افراد جزئی، و حوادث جزئی می‌پردازد. درمقابل، اصطلاح قانون‌بنیاد دال بر توجه به امور کلی است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به فربرن ۱۳۹۴: ۲۴).
۴. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به (Aries 1962)
۵. مقوله‌بندی انجام‌شده در *دایرةالمعارف تاریخ اجتماعی* این‌گونه است: هنر و معماری، کودکان، مصرف، جرم و انحرافات اجتماعی و بیماری، فرهنگ و باور، اقتصاد، تحصیلات، خانواده، جنسیت، ارتباطات میان‌رشته‌ای، اوقات فراغت، زندگی شخصی، سکس و احساسات، تحرکات

مسئله مقوله‌بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی زندگی روزانه (ندا هنرمندی و محمدعلی رنجبر) ۳۲۳

جمعیتی، اعتراضات، بهداشت و سلامت عمومی، نژاد و قومیت، جوامع شهری، ساختار اجتماعی، دولت و جامعه، شهرنشینی، جنگ، کار (see Stearns 1994).

6. Kia, Mehrdad (2011), *Daily Life in the Ottoman Empire*, California, Greenwood: The Greenwood Press Daily Life Through History Series.
7. Lane, George (2006), *Daily Life in the Mongol Empire*, California, Greenwood: The Greenwood Press Daily Life Through History Series.
8. Carcopino, Jerome (1941), *Daily Life in Ancient Rome*, E. O. Lorimer (trans.), London: Penguin Books.
9. Anderson, James M. (2007), *Daily Life During the French Revolution*, California, Greenwood: The Greenwood Press Daily Life Through History Series.
10. Matthee, Rudi (2005), *The Pursuit of Pleasure Drugs and Stimulants in Iranian History, 1500-1900*, Princeton: University Press.

۱۱. براساس مطالب گفته‌شده مقوله‌بندی پژوهش ذکرشده به این صورت است که در فصل اول وقایع سیاسی عصر صفوی به صورت مختصر و روی خط زمان نشان داده خواهند شد. در فصل بعد، کلیات روش‌شناسی کار ارائه می‌شوند. در فصل سوم و با توجه به اهمیت جغرافیا در زندگی روزانه این عامل مهم در دو شاخه انسانی و طبیعی بررسی می‌شود. در فصل بعد زمینه‌های تأثیرگذار فکری در نحوه زندگی روزانه و کنش افراد، هم‌چون فرهنگ، باور، و مذهب ارزیابی می‌شوند. در ادامه مقولات زندگی اجتماعی مطرح‌شده و مصادیق آن‌ها با توجه به معیارها و اهداف نویسنده از پژوهش آورده می‌شوند که به این شرح‌اند: اعتقاد و باور مردم به شاه؛ اخلاق و اخلاقیات؛ مرگ‌ومیر و آداب آن؛ انحرافات اجتماعی، کنترل اجتماعی، و خانواده؛ کتاب و کتاب‌خوانی؛ پوشاک؛ و اوقات فراغت. زیرمجموعه هر کدام نیز با توجه به شرایط اجتماعی آن زمان و نگرش مؤلف موضوعی آمده است، چنان‌که در ذیل کتاب و کتاب‌خوانی و تحصیلات رابطه جنسی به منزله مقوله‌ای جدا از خانواده بررسی شده است، زیرا همه روابط جنسی در چهارچوب خانواده شکل نمی‌گرفتند. پس از این فصل به مفهوم زمان، زمان‌بندی، و تقسیم روز در دوره صفوی پرداخته خواهد شد و در آخر یک روز زندگی در اصفهان عصر صفوی از زبان یک فرد تیبیکال اصفهانی و باتکیه بر روش توصیف غلیظ شرح داده خواهد شد.

### شیوه ارجاع به این مقاله

هنرمندی، ندا و محمدعلی رنجبر (۱۳۹۹)، «مسئله مقوله‌بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی زندگی روزانه»، دوفصل‌نامه علمی-پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی، س ۱۰، ش ۲.

doi: 10.30465/shc.2021.33857.2169.

## کتابنامه

- روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی (۱۳۹۲)، *مقدمه‌ای بر معاشناسی شناختی*، تهران: علم.
- فرین، مایلز (۱۳۹۴)، *تاریخ اجتماعی مسائل، راه‌بردها، و روش‌ها*، ترجمه ابراهیم موسی‌پور و محمدابراهیم باسط، تهران: سمت.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۶۷)، *سیر حکمت در اروپا*، تهران: البرز.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۸۸)، *تاریخ فلسفه*، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کنفیو، آلن (۱۳۹۴)، *تاریخ اجتماعی دانش، روش، آموزش، ترجمه و گردآوری ابراهیم موسی‌پور و محمدابراهیم باسط*، تهران: سمت.
- موسی‌پور بشلی، ابراهیم (۱۳۹۵)، *دین زیسته و زندگی روزانه*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

- Aries, Philippe (1962), *Centuries of Childhood: A Social History of Family*, Robert Baldick (trans.), New York: McGraw.
- Anderson, James M. (2007), *Daily Life During the French Revolution*, California, Greenwood: The Greenwood Press Daily Life Through History Series.
- Brown, Peter (1982), *The Body And Society*, New York: Columbia University Press.
- Butler, Jon (2008), *New World Faiths*, New York: Oxford University Press.
- Carcopino, Jerome (1941), *Daily Life in Ancient Rome*, E. O. Lorimer (trans.), London: Penguin Books.
- Carlyle, Thomas (2001), *On Heroes, Hero Worship and the Heroic in History*, London: The Electric Book Company.
- Eckert, Andreas (2002), "Historical Writing about Eeveryday Life", *Journal of African Cultural Studies*, vol. 15, no. 1.
- Holsti, Ole (1969), *Content Analysis for the Social Sciense and Humanities*, Reading, Mass, Wesley, London: Longman.
- Kia, Mehrdad (2011), *Daily Life in the Ottoman Empire*, California, Greenwood: The Greenwood Press Daily Life Through History Series.
- Lane, George (2006), *Daily Life in the Mongol Empire*, California, Greenwood: The Greenwood Press Daily Life Through History Series.
- Mathee, Rudi (2005), *The Pursuit of Pleasure Drugs and Stimulants in Iranian History, 1500-1900*, New Jersey: Princeton University Press.
- Stearns, Peter (1994), *Encyclopedia of Social History*, New York: Garland Publishing.